

کتابی برای ترساندن و آواز نخواندن

نقدی بر کتاب ساز حنجره و چالش‌های تولید صوت

● سعید مجیدی

کارشناس و پژوهشگر آموزش هنر singersaeed@gmail.com

چکیده

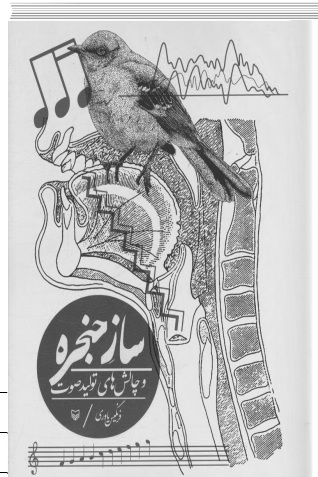
تولید منابع علمی در حوزه شناخت و کاربرد صدا از ضرورت‌های جامعه صدا، بیان و آواز امروز ایران است. در جامعه‌ای که صدای خوانندگان و گویندگان آن، اغلب خراشیده، گرفته و مصنوعی است و متأسفانه این صداها به الگو نیز بدل شده‌اند. ضرورت پژوهش در این حوزه، دو چندان می‌نماید. اما اگر پژوهش‌ها نیز هدفمند، دقیق و علمی نباشد، نه تنها گره‌گشا نخواهد بود، بلکه آثاری بر صدای دیگران و این جامعه می‌گذارد که گاه جبران‌ناپذیر است و این کلاف سردرگم را پیچیده‌تر می‌کند. نقد پیش رو، در پی گره‌گشایی و بررسی مشکلات کتابی است که مؤلف آن قصد دارد راهی تازه بگشاید.

از جمله مباحث نقد پیش رو، این که گردآورنده کتاب در استفاده از منابع، حقوق معنوی را رعایت نکرده است؛ نقدی فرهنگی که از مشکلات جامعه امروز ماست. بحث دیگر این نقد، برداشت اشتباه از منابع معتبر علمی است که از درک نه چندان عمیق مؤلف از مباحث پایه‌ای فیزیک صوت و آناتومی مجرای گفتار خبر می‌دهد. همچنین بخش بعدی این نقد نیز، نقدی فرهنگی است به نمان کردن نام دیگر پژوهشگران این حوزه و بی‌توجهی به تلاش پیشینیان. در پایان نیز برخی مشکلات دیگر کتاب، پرسش‌وار مطرح شده است.

کلیدواژه: ساز حنجره، تولید صوت، آواز، فیزیک صوت

مقدمه

ضرورت پژوهش‌های دقیق و علمی در زمینه‌های گوناگون آواز ردیف دستگامی،



■ یآوری، فرنگیس (۱۳۹۶). ساز حنجره و چالش های تولید صوت. تهران: سوره مهر.

یا آوازهای محلی و مقامی ایرانی، امروزه بیشتر از قبل احساس می شود و تأسیس کارشناسی آواز در دانشگاهها و دانشکده های هنر، ضروری تر از گذشته رخ می نماید. نیازها و ضرورت هایی که با تحقیقات و تربیت دانشگاهی و فرهنگستانی، به نتایج بهتری خواهد رسید. همان گونه که این اتفاق مثبت در مورد نوازندگی سازهای ایرانی رخ داده است.

به هر روی، ضرورت دارد در این کمبود آثار پژوهشی و وانفسای فرهنگی، از افرادی که در زمینه آواز و موسیقی، تحقیق و پژوهش می کنند، مجدانه تقدیر و تشکر کنیم؛ تشکری که شامل مؤلف کتاب مورد نقد نیز می شود، که در گردآوری این کتاب زحمت بسیاری کشیده اند. اما گذشته از قدردانی، نقد و بررسی های روشمند و منصفانه از این گونه آثار است که زمینه رشد هنر خواندن بی آسیب را فراهم می آورد؛ زیرا تأثیری که این آثار بر حنجره و صدای افراد می گذارد، با توجه به تعویض ناپذیری و یگانگی حنجره و اندام های صوتی، گاه جبران ناپذیر خواهد بود.

این مقاله، نقدی است بر کتاب ساز حنجره و چالش های تولید صوت، تألیف فرنگیس یآوری که انتشارات سوره مهر، اواخر سال ۱۳۹۶ چاپ و نشر کرده است.

این کتاب، اثری پر حجم در ۳۸۵ صفحه و قطع رحلی است که بیشتر مطالب آن درباره کالبدشناسی و شناخت کار اندامها و بیماری های آن است. کتاب، دارای تصاویر رنگی فراوان و باکیفیت، از اندام های صوتی و تنفسی است که به شناخت بهتر آنها کمک می کند. پس ضرورت دارد از تصویرگر و بخش چاپ انتشارات سوره مهر، در آماده سازی چنین کتابی، تشکر و قدردانی کرد.

هرچند اهداف مؤلف، راهنمایی و تأثیر بر عموم اهالی صدا عنوان شده است، اما بی‌شک، کتابی با این قطر و قطع مرعوب‌کننده، چنین جاذبه‌ای ایجاد نخواهد کرد. اما از ظواهر امر که بگذریم، گذری بر محتوای کتاب نیز اشکال‌ها و نقدهای جدی‌تری آشکار می‌سازد که در ادامه برخی از آنها ذکر می‌شود.

رعایت نکردن اخلاق علمی در استفاده از منابع

الف) بسیاری از مطالب گفتار هفتم (مفاهیم زبان از دیدگاه زبان‌شناسی) مطالبی است که با بی‌توجهی در رعایت اخلاق علمی در ذکر منابع و مأخذ، بدون در نظر گرفتن شیوه‌های رایج ارجاع، استفاده شده است. این مطالب، با اندکی دستکاری یا تقلیل از منابع مورد استفاده، رونویسی شده است. نمونه‌وار می‌توان به صفحه‌های ۳۰۰ تا ۳۰۴ کتاب اشاره کرد که رونویسی از *نه صفحه اول کتاب زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی زبان*، اثر دکتر رضا نیلی‌پور است. البته با جابه‌جایی بندها برای رد گم کردن و حذف چند نکته (مانند حذف دیدگاه تکوینی، چهارمین دیدگاه که سه دیدگاه آن ارائه شده است) عیناً بازنویسی شده است. آیا می‌توان «۹ صفحه» از کتابی را با اندکی دستکاری و جابه‌جایی بندها (که به ساختار علمی مطلب نیز آسیب زده است) عیناً بازنویسی کنیم و فقط به ذکر منبع در فهرست منابع اکتفا کنیم؟ بماند که طرح این دیدگاه‌های عصب‌شناسانه زبان، به کار عموم اهالی صدا و آواز نمی‌آید؛ البته مشکل دیگر، بیان غیرعلمی همین مطالب در زیر عنوان آواشناسی است. زیرا مؤلف ناروشمند و شتاب‌زده این مطالب را از کتاب‌های مختلف، دنبال هم ردیف کرده است.

ب) نمونه دیگر را می‌توان از صفحه ۲۹۹ سطرهای آغازین ستون اول آورد، که نگارنده مطلب را چنان نوشته است که گویی «تعریف زبان» را از اصل فرانسوی کتاب *آندره مارتینه*^۱ برگردانده است. اما با کمی دقت و مقایسه آن با ترجمه این تعریف، در کتاب *مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی*، تألیف زنده‌یاد ابوالحسن نجفی، متوجه می‌شویم، تعریف ارائه‌شده، همان برگردان مرحوم نجفی، با اندکی دستکاری و حذف مفهوم مهم «تجربه انسان» از این تعریف است، که مصداق تقلیل و سهل‌انگاری محسوب می‌شود.

گواه دیگر بر این مدعا، ترجمه کامل همین تعریف از اصل کتاب *آندره مارتینه* است، که شاگردش، دکتر هرمز میلانیان، آن را به فارسی برگردانده است: «زبان ابزاری است که مطابق آن، تجربه انسان، در هر جامعه‌ای به نحوی متفاوت، به واحدهایی که دارای درون‌معنایی و برون‌آوایی هستند، یعنی تکواژ تجزیه می‌شود...». از مطالعه ترجمه بالا از این تعریف، متوجه

می‌شویم از نظر واژگان و نحو با ترجمه استاد نجفی متفاوت است و در آن نیز مفهوم «تجربه انسان» وجود دارد؛ این مفهوم نیز از تعریف کتاب ساز حنجره بی‌دلیل حذف شده است و تعریف یاوری نیز همان ترجمه استاد نجفی با اندکی تقلیل است.

- شواهد دیگر، رونویسی بدون ارجاع، بند دوم (ص ۲۹۹) و نیز ستون دوم (ص ۲۹۹) است که به ترتیب از قسمت ۱-۲۷ صفحه ۳۵ و سطرهای آخر صفحه ۱۰ کتاب مبانی زبان‌شناسی نجفی رونویسی شده است.

- شاهد دیگر، بندهای دوم و سوم صفحه ۲۸۰ است که از صفحه ۱۱۲ کتاب مقدمه‌ای بر آواشناسی آکوستیک، عیناً برداشت و رونویسی شده است و موارد دیگری، از جمله: تصاویر و مطالب کالبدشناختی - که از منابع معتبر آناتومی و فیزیولوژی برداشته شده است - اما مؤلف، منابع استفاده شده را دقیق ذکر نکرده و فقط به منابع انتهای کتاب بسنده شده است. پرسش این‌جاست: آیا این مصداق کتاب‌سازی نیست؟ آیا اخلاق علمی و فرهنگی را رعایت کرده‌ایم؟

اشتباه علمی در برداشت از مباحث علمی

الف) اشتباه در فیزیک صوت

در فصل یا گفتار ششم کتاب صفحه ۲۶۵ بند «ماهیت اصوات موسیقی» نوشته شده است: «صوتی که انسان با دستگاه شنوایی خود درک می‌کند از جهت درک صوت در مغز برحسب سه مشخصه دامنه، طنین و بلندی صوت درک و دریافت می‌شود. ۱- دامنه: اولین مشخصه صوت موسیقایی دامنه یا همان زیر و بمی آن به‌عنوان یک محرک ارتعاشی و احساسی پرده گوش است. دامنه یکی از ویژگی‌های منبع تولید صوت است و در مورد صدای حلقوم انسانی نتیجه ارتعاش تارآواهاست. البته نباید زیر و بمی و دامنه صوت را با بلندی و کوتاهی صوت، که در واقع عامل آن به انرژی و شدت صوت وابسته است، اشتباه گرفت».

مطالب بالا، درک نادرست و برداشت اشتباه از مباحث پایه‌ای فیزیک صوت از دو کتاب مبانی آکوستیک و مقدمه‌ای بر آواشناسی آکوستیک است. نخست این‌که دامنه و زیر و بمی به هیچ وجه یکی نیست و هر کدام ویژگی‌های متفاوتی از اصوات است. دامنه از عوامل فیزیکی امواج صوتی و برخلاف نظر مؤلف، از عوامل مؤثر بر شدت و در نهایت، بلندی صوت یا مفهوم شنیداری آن است. اما زیر و بمی یکی از مشخصه‌های اصوات کنار طنین، شدت و دیرند است؛ و اگر بخواهم تعریف علمی‌تری از دامنه با ارجاع به همان منابع استفاده شده ایشان ارائه دهیم، باید گفت: «دامنه نوسان ارتعاش، به معنای

اندازه جابه‌جایی یک ذره از حالت تعادل است که با احساس بلندی و کوتاهی در ارتباط است»^۲.

آشکارا به دنبال مصرف انرژی بیشتر، دامنه موج، افزایش می‌یابد و صدا بلندتر به گوش می‌رسد. متأسفانه این اشتباه‌ها در توضیح‌ها و مطالب صفحه‌های ۲۶۷، ۲۶۵ و ۲۷۸ نیز ادامه می‌یابد و مسئله برای مخاطب، پیچیده‌تر می‌شود؛ زیرا مؤلف، درک و دسته‌بندی درستی از ویژگی‌های امواج صوتی (دامنه، طول، بسامد و سرعت) در ذهن خود ندارد.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۴۵

ب) اشتباه در تشریح گلوگاه

ضمن این‌که تشریح و تقسیم‌بندی مؤلف از گلوگاه و حلق در تصویر صفحه ۱۳۲ اشتباه است، این تشریح، با توضیح‌های درست گلوگاه در صفحه ۱۶۲ همین کتاب نیز تناقض دارد.

ج) ادعاهای کاذب

نویسنده کتاب، چندین بار، از جمله در صفحه‌های ۱۱ و ۴۳، گفته است: «تاکنون منبعی به‌طور علمی و با تکیه بر شواهد و واقعیت‌های حنجره به تکنیک‌های آواز نپرداخته است». یا در جایی دیگر گفته است: «طبق تحقیقاتی که در مورد منابع مربوط به چگونگی تولید صوت و آواز داشته‌ام، کتابی در مورد فرایند شکل‌گیری صوت به صورت علمی نوشته نشده است» یا «آن‌ها به ذکر کلیات و آن‌هم از دید هنری پرداخته‌اند».

اگر منظور ایشان از عبارت مبهم «چگونگی تولید صوت» چگونگی تولید آواهای زبان فارسی است، در رد این ادعاها باید گفت کتاب‌های ارزشمند علمی در بیست، سی و چهل سال پیش و در موضوع آواشناسی چاپ شده است. از جمله این آثار، می‌توان آواشناسی فیزیکی زبان فارسی، اثر دکتر ساسان سپنتا، آواشناسی زبان فارسی، اثر دکتر یدالله ثمره و آواشناسی، دکتر علی‌محمد حق‌شناس را نام برد. اگر هم منظور ایشان صوت در مفهوم فیزیکی آن است، باز هم کتاب‌های ارزشمندی در این حوزه، سال‌ها پیش، چاپ شده است. اما اگر منظور ایشان، نبود کتاب علمی و آموزشی فقط در حوزه آواز است، باز هم باید متذکر شد که حدود دو دهه پیش از کتاب ایشان، کتاب ارزشمند خودآموز علمی آواز ایرانی، اثر علی‌محمد تهرانی سال (۱۳۷۴) همراه با دو کاست، مؤسسه فرهنگی هم‌آوا منتشر کرد؛ و اگر بنا باشد به‌عنوان نخستین پژوهش علمی با بهره‌گیری از مباحث امروزی در آموزش آواز فضل‌تقدمی قائل باشیم، این فضل تقدم، زینده جناب علی‌محمد تهرانی است. همچنین می‌توانم به کتاب، آوازخوانی (دانش

صداسازی و خواندن) اثر هوگو پینکسترپور^۳ اشاره کنم که چند سال قبل، نگارنده این مقاله، آن را ترجمه کرده است. کتابی عام و پایه، درباره خواندن برای سبک‌های مختلف که در برگردان آن، به‌ویژه مباحث آواشناختی تلاش فراوان شده است؛ تا انطباق آواشناختی علمی برای مخاطب فارسی‌زبان رعایت شود. یا برای نمونه‌ای دیگر، می‌توان از کتاب تکنیک آواز، اثر لارا برانینگ^۴ نام برد، که با سه ترجمه - از جمله ترجمه نگارنده این مقاله - از سال‌ها پیش در بازار موجود است. آن‌چه از مقدمه‌اش برمی‌آید، روش و تمرین‌های آن بر پایه علوم پزشکی و راهنمایی‌های متخصصان گوش، حلق و بینی، طراحی شده است.

افزون بر این، اشکال‌ها و نقدهای جدی دیگری نیز بر این کتاب وارد است، که به‌دلیل کوتاهی سخن، فقط برخی از آنها را پرسش‌وار طرح می‌کنم؛ امید است برای مخاطبان راهگشا و برای مؤلف، تأمل‌برانگیز باشد.

- آیا ماهیچه‌های دور لب، هیچ نقشی در گفتار ندارد؟ چنان‌که در (ص ۲۴) مطرح شده است. پس چگونه مخاطب، تناقض‌های ک

- مؤلف، نگاه بدبینانه اغراق‌آمیزی در صفحه‌های ۴، ۲۵، ۲۳، ۲۱، ۱۹، ۱۸ و ... به گفتار، آواز و آموزش آن دارد. آیا این نوع نگاه یا به‌اصطلاح آگاهی‌دادن، به ترس و استرس در وجود خوانندگان منجر نمی‌شود؟ آیا مؤلف با ترساندن بیش از حد مخاطب از بیماری‌ها، سبب تنش و اضطراب مضاعف در وجود صدایشگان، به‌ویژه مبتدی‌ان نمی‌شود؟ آیا چنان‌که در صفحه ۲۳ ستون دوم سطر چهارم نوشته شده است: «چگونگی تولید اصوات در حلقوم انسانی، معضلی جهانی است»؟ آیا علم روان‌شناسی نیز براساس آن‌چه در صفحه ۲۱ ستون دوم سطر سوم و چهارم آمده است: «بخش زیادی از بیماری‌های روحی و روانی را با خاطرات (!) صوت و گفتار مرتبط می‌دانند»؟! منبع و مستندهای علمی این تحقیقات کجاست؟

چگونه ممکن است: «صدایی ارتعاش نداشته باشد» که در ص ۶۴ ستون دوم سطر پانزدهم مطرح شده است. آیا این گزاره را علم فیزیک صوت تأیید می‌کند؟

آیا این حجم از اطلاعات پزشکی با اصطلاح‌های تخصصی آنها، درگیر کردن بیش از حد هنرجو در کلاس مباحث آناتومی و فیزیولوژیک نیست؟

چگونه و با چه پشتوانه علمی، اقدام به صدور این نظریه‌ها در کتاب شده است؟ آیا فقط براساس تجربه‌های شخصی آموزشی (که آن‌هم نیاز به سنجش و ارائه نمونه دارد) یا با افزودن عنوان «براساس تحقیقات نگارنده» که بیشتر مخاطب عام را مرعوب می‌کند، کافی است تا بی‌پروا و با اطمینان چنین نظریه‌هایی صادر شود؟ همچنین می‌بینیم مؤلف از بسیاری

پژوهش‌های معتبر دانشگاهی، بی‌اطلاع است. برای مثال: در صفحه ۹۱ نوشته شده است: «براساس تحقیقات نگارنده، تولید صوت نیز یکی از مهارت‌های اکتسابی و متکی بر تجربه است». در رد این تحقیقات، باید گفت: پس «ژن اف ایکس پی ۲ معروف به ژن آمادگی زبانی انسان»^۵ چه نقشی در زبان و تولید آن ایفا می‌کند؟ چرا افرادی که به اختلال‌های این ژن دچار هستند، مشکلات تلفظی دارند؟ آیا طرح نظریه‌های مبهم از مبحث تکامل و ارتباطش با تولید صوت، کمکی به مخاطب مبتدی می‌کند؟

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۴۷

پس طرح نظریه‌های علمی و جامع، افزون بر اطلاع و وقوف از پژوهش‌های پیشین، باید بر پایه اصول، روش و استدلال‌های متقن و درست، همراه با آزمایش، مشاهده، آمارهای مستند و البته رسمی استوار گردد؛ کیفیتی که کتاب ساز حنجره از آن بی‌بهره است. بنابراین فرضیه‌ها و تجربه‌های شخصی مؤلف کتاب، به‌جز مطالب کالبدشناختی تشریحی، براساس تحقیقات و ادله منتقد، قابل رد و تردید است.

نتیجه‌گیری

رعایت اخلاق علمی، به‌ویژه در آثار پژوهشی، نه تنها از وظایف جدی پژوهشگر است، بلکه بر سندیت و اعتبار نظریه‌های او نیز می‌افزاید؛ البته این امر از ضرورت‌های جامعه امروز نیز به‌شمار می‌رود. دیگر این که پژوهشگران در برداشت‌های خود از منابع، باید دقت کافی کنند، به‌ویژه در آثاری آموزشی تا چنین خطاهایی رخ ندهد (مانند بند ۲ همین نقد).

در پایان، امیدوارم دست کم ناشر محترم به فکر ویراست و اصلاح این مشکلات، به‌ویژه در مورد رعایت حقوق مؤلفان باشد. آن‌هم در کتابی که با این شمارگان ۲۵۰۰ نسخه و این ساختار پرزحمت عرضه شده است.

پی‌نوشت

1. Andre Martinet

۲. دی. بی. فرای (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر آواشناسی آکوستیک. ترجمه نادر جهانگیری. مشهد: دانشگاه فردوسی.

3. Hugo, pinksterboer

4. Larra , Browning Henderson

۵. هرفورد جیمز (۱۳۹۶). خاستگاه زبان. ترجمه محمد راسخ مهند و مجتبی‌علیزاده صحرايي. صص. ۲۳-۳۳. سیاه‌رود.

منابع

- برائینگ هندرسون، لارا (۱۳۹۶). تکنیک آواز، ترجمه سعید مجیدی. تهران: کتاب آبان.
- پینکستربور، هوگو (۱۳۹۴). آوازخوانی (دانش صداسازی و خواندن). ترجمه سعید مجیدی، تهران: کتاب آبان.
- تهرانی، علی محمد (۱۳۷۴). خودآموز علمی آواز ایرانی. تهران: مؤسسه فرهنگی هم‌آوا.
- ثمره، یدالله (۱۳۸۰). آواشناسی زبان فارسی. ویرایش دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۶۹). آواشناسی. تهران: آگاه.
- فرای، دی. بی (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر آواشناسی آکوستیک (فیزیک گفتار). ترجمه دکتر نادر جهانگیری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۰). مبانی زبان‌شناسی (و کاربرد آن در زبان فارسی). تهران: نیلوفر.
- نیلی‌پور، رضا (۱۳۸۰). زبان‌شناسی و آسیب زبان. تهران: هرمس.
- مارتینه، آندره (۱۳۸۰). مبانی زبان‌شناسی عمومی. هرمز میلانین. هرمس.
- هرفورد، جیمز (۱۳۹۶). خاستگاه زبان. ترجمه محمد راسخ مهند و مجتبی علیزاده صحرایی. تهران: سیاهرود.

فصلنامه نقدکتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۴۸